



## سیاست‌ورزی در ایران امروز

سیدمحمدرضا خاتمی

چند صباحی است در میان روشنفکران و فعالان سیاسی و اجتماعی کشور، موضوع نحوه تعامل با قدرت و حدود و ثغور آن در صدر مباحث قرار گرفته است.

اگر خوب بنگریهیم، متوجه می‌شویم این مساله مختص کشور ما نیست، بلکه همه جوامع در حال گذار به آن مبتلا بوده و هستند. البته ویژگی جامعه به شدت سیاسی ایران و ساختار (تقریباً منحصر به فرد) دولت-ملت در کشور ما که شاید امروز نظیر آن در کمتر جای دنیا دیده می‌شود، این موضوع را بیشتر مطرح کرده است.

جامعه پویای ایران که با مشکلات مختلفی روبروست، به خوبی دریافته است تا زمانی که ساختار حقیقی قدرت اصلاح نشود و حاکمان به اصل مردم‌سالاری، طوعاً یا کرها گردن ننهند، امکان حل مشکلات ریز و درشت وجود ندارد و توسعه پایدار و موزون بیشتر به سراب می‌ماند؛ در مقابل، هر پامداد باید انتظار حادثه‌ای بزرگ یا کوچک را داشت که برای مدتی همه ارکان جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، اما هیچ‌گاه خروج از مدار عقب‌ماندگی امکانپذیر نمی‌شود.

حضور در قدرت یا خروج از آن، فعالیت‌های پارلمان‌تاریستی و انتخاباتی یا مشارکت اجتماعی صرف، پرداختن انحصاری به نهادهای مدنی غیردولتی یا حضور فعال ولی منتقدانه در ساختار قدرت و ده‌ها دوگانه دیگر، همه به کرات مورد بحث قرار گرفته‌اند و هر یک برای خود طرفدارانی دارند. جالب این که همه این مباحث داغ و پر سرو صدا، کمتر توانسته است اردوگاه طرفداران هر یک از این دیدگاه‌ها را دچار تغییری آنچنانی کند.

این واقعیت نشان می‌دهد تا هنگامی که مباحث سیاسی بر مبنای شناخت درست جامعه ایرانی و مطالبات ملت شکل نگیرد، امکان برون‌رفت از این چرخه معیوب وجود ندارد. نکته جالب‌تر این‌که با وجود تجربه چندین باره در طول دهه‌های گذشته و روشن شدن نسبی فواید و مضرات هر اقدام مبتنی بر دو دیدگاه غیبت در قدرت یا حضور در قدرت، باز همان مباحث و مطالب با همان ادله و براهین طرح می‌شوند.

نکته مهم دیگر این‌که دو سوی این مهم، بخصوص طرفداران حضور در جامعه و خروج از قدرت، این دو امر را متضاد و حتی متناقض با یکدیگر معرفی می‌کنند و با مرزبندی غیرقابل‌تداخل بین حکومت و جامعه، امکان عمل به هر دو وجه را غیرممکن می‌دانند.

آنچه در این شماره "آیین" از نظر خوانندگان فهیم می‌گذرد، طرح نگاه‌هایی عمیق‌تر و موشکافانه‌تر به ابعاد سیاست‌ورزی در جامعه ایران است. مطمئناً این مقدار کافی نیست، بلکه تنها تلاشی است برای جمع‌بندی بین دیدگاه‌هایی که از زوایای مختلف، نه فقط سیاست‌ورزی و حضور همزمان در جامعه و قدرت را منافی یکدیگر نمی‌دانند، بلکه آن را لازم می‌شمارند و با توجه به ویژگی‌های دولت ملت در ایران، غفلت از هر کدام را موجب ناکامی در عرضه دیگر می‌دانند.